

یادداشت

پرسنل و کادر درمان بخش خصوصی اولویت اول هستند آنها واکسن زرده‌اند!

امیر صدری*

● نظام سلامت ایران در بخش درمان بر دو پایه اصلی استوار است؛ بخش دولتی و بخش خصوصی. همه دست‌انکاران و فعالان حوزه سلامت می‌دانند که در تمام حوزه‌های سلامتی بخش خصوصی تا چه حد عمده است. در شهر تهران ده‌ها هزار مطب و دفتر کار مشغول ارائه خدمت به مراجعان و بیماران هستند. هزاران فوق‌تخصص ریه، متخصص داخلی و عفونی و طب اورژانس و پزشکی عمومی مستقیم در حوزه کرونا و هزاران پزشک عمومی و متخصص دندان‌پزشک و داروساز و رشته‌های دیگری مانند علوم آزمایشگاهی و تصویربرداری پزشکی و فیزیوتراپیست و تغذیه و فعالان حدود ۴۰ رشته تخصصی در تمام حوزه‌های تشخیصی و درمانی دیگر مشغول به کار هستند. خوشبختانه تقریباً تمامی اعضای سازمان نظام پزشکی به هم و سازمان و با همراهی معاونت بهداشتی وزارت و دانشگاه‌های علوم پزشکی واکسن کرونا دریافت کرده‌اند اما باورنکردنی است که پرسنل و کادر درمانی همکار این اعضا تاکنون واکسیناسیون هستند. (و مشاغل دقیقاً مشابه آنها در حوزه دولتی مدت‌هاست دوز دوم واکسن خود را هم دریافت کرده‌اند). روند اجرائی این کار این‌گونه بوده که ثبت‌نام برای واکسیناسیون پرسنل و کادر درمان در شهر تهران توسط سازمان نظام پزشکی انجام و تزریق توسط سه دانشگاه علوم پزشکی سطح شهر تهران انجام شود. ثبت‌نام و فهرست‌ها برای هر سه دانشگاه سطح تهران ارسال شده است اما تزریق توسط دانشگاه‌های سه‌گانه انجام نمی‌شود. چرا؟ کسی پاسخ این سؤال را نمی‌داند.

می‌دانید دستیار اول دندانپزشکی که باید کنار دست دندانپزشک یا حتی جلدور تا او کار دندان فرد بیمار را انجام دهد و هنوز واکسینه نشده چه حالی دارد؟ یا دستیار فوق تخصصی ریه که کار اسپیرومتری را انجام می‌دهد یا منشی متخصص عفونی که در تمام روزها فقط و فقط با بیماران کرونایی سروکار دارد، یا دستیار فیزیوتراپیستی که کاملاً مستقیم تماس بسیار نزدیک با بیماران دارد یا پرسنل علوم آزمایشگاهی که هرروز از ده‌ها بیمار نمونه می‌گیرد یا کادر تصویربرداری که هرروز ده‌ها بیمار را روی دستگاه حالت می‌دهد تا سی‌تی‌اسکن شوند. همه اینها و ده‌ها شغل دیگر هنوز ذُر اول واکسن خود را دریافت نکرده‌اند و هرروز هم شاهد این هستند که اولویت‌های بعد از آنها در سند ملی واکسیناسیون (مثل معلمان و راننده تاکسی‌ها و کارمندان بانک‌ها و کارکنان میادین مینوه‌تپار و…) جزء اولویت‌ها قرار می‌گیرند و واکسینه می‌شوند. جالب است که هیچ مقامی در وزارت بهداشت و دانشگاه‌های علوم پزشکی سطح تهران به این گروه و نه سازمان نظام پزشکی پاسخگو نیست که چرا واکسیناسیون اکثریت این گروه (واکسیناسیون تنها درصد بسیار کمی از آنها انجام شده) انجام نمی‌شود. جالب است که طبق صورت‌جلسه‌های موجود، مسئولان دانشگاه‌های علوم پزشکی سطح تهران ضمانت کرده‌اند که این واکسیناسیون را انجام دهند و ندادند-ه حتی دستورات دکتر رئیسی و دکتر زالی هم در این زمینه انجام نشده است. از ریاست ستاد ملی کرونا و همه مسئولان بهداشتی و درمانی تاکنون درخواست داریم دستورات لازم را صادر بفرمایند تا در اسرع وقت نسبت به واکسیناسیون این گروه اقدام کنند. برای درنظرگرفتن اهمیت موضوع فقط تصور کنید که این ده‌ها هزار نفر پرسنل و کادر اداری مطب‌ها، داروخانه‌ها، دندانپزشکی‌ها، رادیولوژی‌ها و آزمایشگاه‌ها و… با خطر هرروزه و هرساعتی رویه‌رو هستند، در اعتراض به واکسینه‌نشدن خود، دست از کار بکشند. می‌دانید در آن صورت چه اتفاقی برای نظام سلامت خواهد افتاد؟

◀**مدیر روابط عمومی نظام پزشکی تهران بزرگ**

نگاه

جزئیات تعطیلی ۵ روزه ادارات واصناف

● **شرق:** علی‌رضا رئیسی، سخنگوی ستاد ملی مقابله با کرونا، درباره تعطیلات پنج‌روزه در کشور گفت: در جلسه ستاد بر رعایت و تشدید نظارت بر پروتکل‌ها تأکید شد. همچنین از امروز ساعت ۱۲ منع تردد یا به عبارتی دیگر ممنوعیت تردد اعمال خواهد شد و نباید ترددی صورت گیرد؛ به‌جز موارد استثنا مانند آمبولانس‌ها و کامیون حمل غذا و … . بنابراین منع تردد از امروز ساعت ۱۲ ظهر تا صبح شنبه دو هفته آینده (آخر وقت جمعه پنجم شهریور) اعمال خواهد شد. این منع تردد سراسری و بین‌استانی خواهد بود. او گفت: بنابراین تمام مجوزهای این افرادی که بنا به هر دلیلی تخلّف و جریمه شدند، بعد از یک ماه این جریمه دوربرابر می‌شود و حتما هم اخذ می‌شود. رئیسی ادامه داد: تعطیلی همه ادارات را نیز ما داریم و تنها اصناف ضروری در گروه شغلی یک فعال خواهند بود.

«حق بر شهر» به‌عنوان بنیادی‌ترین حقوق ساکنان شهرها، مستلزم اداره شهر براساس اصل «حاکمیت قانون» است. انتخاب باورنکردنی علی‌رضا ااکانی به‌عنوان شهردار تهران، درمقابل دیدگان مردم و تمام افراد بلد و نابلد به امور شهری، این نگرانی عجیب را ایجاد کرده است‌که اکثر اعضای شورای شهر ششم اعتنایی به قوانین و مقررات جاری مملکت ندارند! گویی عمر قوانین در شهر به سر آمده و ازاین‌پس دیگر قرار نیست شهر براساس حاکمیت قانون که حافظ حقوق بنیادین و اساسی شهروندان در برابر دولت محلی است، اداره شود؛ حال آنکه یکشنبه گذشته، اعضای شورا مطابق ماده (۳) «آیین‌نامه داخلی شورای شهر» مصوب۱۳۸۴/۱/۲۲ هیئت وزیران، در مراسم تحلیف آغازبه‌کار ششمین دوره شورا، «در برابر کلام…! مجید به خداوند متعال سوگند یاد کرده و با تکیه بر شرف انسانی خود تعهد کرده‌اند که قانون اساسی و سایر قوانین و مقررات کشور را در چارچوب وظایف و اختیارات خود مراعات نموده و در همه زمینه‌ها عدالت و انصاف را رعایت کنند».

الزام به قوانین و مقررات جاری کشور و نیز التزام به سوگند یادشده،

ایجاب می‌کرد اعضای شورای شهر در مقام اجرای اولین وظیفه خود، «قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شورا‌ها» اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۳/۱» و اصلاحات و الحاقات بعدی آن و نیز «آیین‌نامه اجرائی شرایط احراز تصدی سمت شهردار» مصوب ۱۳۹۷/۱۰/۴ هیئت وزیران، موضوع ماده (۸۲) قانون یادشده را مطالعه کرده و در اجرا و رعایت آن اهتمام کنند؛ حال آنکه عجله و شتاب بسیار در انتخاب علی‌رضا زاکانی به سمت شهردار تهران، منجر به نقض فاحش مقررات فوق شد؛ چه آنکه: اولاً) و همان‌طورکه تاکنون بارها گفته شده است، مطابق بند (ج) ماده (۳) آیین‌نامه یادشده و شق ششم (۶) بند فوق، یکی از شرایط مهم برای احراز سمت شهردار پایتخت، داشتن حداقل مدرک تحصیلی «کارشناسی مرتبط» و سابقه (۹) سال «مدیریت ارشد» اجرائی است.کلمه «اجرائی» در شق ششم (۶) بند (ج) درج نشده؛ اما صراحتاً در بند (ج) مورد اشاره قرار گرفته و مشخص است که منظور از سابقه، «سابقه اجرائی» است. با توجه به اینکه علی‌رضا زاکانی، دارای مدرک پزشکی تخصصی است که دو مقطع بالاتر از مقطع کارشناسی است، مطابق تبصره (۳) ماده (۳)، از مدت زمان مورد نیاز برای سابقه اجرائی وی، یک سال کسر شده و هشت سال سابقه مدیریت ارشد اجرائی نیز برای تصدی سمت شهردار توسط وی کفایت می‌کند؛ اما مشکل اینجاست که نه «رشته تحصیلی» وی جزء رشته‌های تحصیلی موضوع قسمت (ب) بند (۱) بخش‌نامه شماره ۲۱۰۵۵۷ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۱۳ و نیز کشور و اصلاحیه‌های بعدی آن درخصوص «تعیین مدارک و رشته‌های تحصیلی موضوع تبصره (۱) ماده (۱) آیین‌نامه اجرائی شرایط احراز تصدی سمت شهردار» قرار دارد و نه وی از سابقه اجرائی «مدیریت ارشد»، مطابق «دستورالعمل اجرائی نحوه انتخاب و انتصاب مدیران حرفه‌ای»، موضوع مصوبه شماره ۵۷۹۰۹۵ مورخ ۱۳۹۵/۴/۱ شورای عالی اداری، ناظر به تبصره (۴) آیین‌نامه یادشده برخوردار است!

توضیح آنکه رشته‌های تحصیلی مرتبط با علوم تجربی، وفق قسمت (ب) بند (۱) بخش‌نامه مصوب ۱۳۹۷/۱۱/۱۳ وزیر کشور، عبارت است از پنج رشته: «فضای سبز»، «بهداشت محیط»، «علوم و مهندسی محیط زیست»، «ارزیابی و آمایش سرزمین» و «آلودگی‌های محیط زیست» که موضوع آنها چلمگی مرتبط با مطالعه و برنامه‌ریزی علمی درباره محیط، بستر و کالبد شهر به‌عنوان فضای زندگی مطلوب و مناسب انسانی است.

بدیهی است عبارت پایانی مندرج در بخش‌نامه مذکور که «تعیین و

جامعه

حق بر شهر و شهردار قانونی

محمد اسماعیلی . وکیل دادگستری



تشخیص رشته‌های تحصیلی جدید مرتبط» را برعهده معاونت عمران و توسعه امور شهری و روستایی وزارت کشور نهاده است. مشخصاً ناظر به رشته‌هایی است که در زمان صدور بخش‌نامه مذکور وجود نداشته و به تصویب وزارت علوم نرسیده و به هیچ‌وجه ناظر به رشته پزشکی و طب که از زمان تأسیس دارالفنون در ایران وجود داشته، نخواهد بود. ضمن آنکه، تفویض وظایف و مسئولیت‌های قانونی اختصاصی مراجع و مقامات ذی‌صلاح به دیگر مراجع و مقامات، همان‌گونه که هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در آرای عدیده از جمله دادنامه شماره ۳۴۵ مورخ ۱۳۸۱/۱/۱۳ و ۴۶۰ مورخ ۱۳۸۲/۹/۲۲ اعلام کرده است، برخلاف قواعد حقوقی به‌ویژه ممنوعیت توکیل به غیر به شرح مندرج در ماده (۶۲۲) قانون مدنی است. نکته حائز اهمیت دیگر آنکه نه‌تنها رشته پزشکی در هیچ‌یک از بخش‌نامه‌های بعدی به شماره‌های ۴۹۶۲۲ مورخ۱۳۹۸/۳/۲۳، ۱۳۹۶۵۱ مورخ ۱۳۹۸/۹/۲۸ و ۶۳۶۵۷ مورخ ۱۴۰۰/۴/۲۱ مورد اشاره قرار نگرفته بلکه حتی درصورت جایزبودن افزودن هر رشته غیرمرتبط جدید به رشته‌های یادشده، آثر آن مطابق اصول افزودن هر رشته غیرمرتبط جدید به تصمیمات اخذشده قبلی ندارد! درواقع افزودن هر رشته غیرمرتبطی به فهرست مدارک تحصیلی فوق و تسری آن به تصمیمات گذشته، نتیجه‌ای جز لوث‌شدن ماده (۸۲) قانون شوراها که شرایط خاصی را برای تصدی سمت شهردار در نظر گرفته و مطابق اصل (۱۳۸) قانون اساسی، تعیین این شرایط را برعهده هیئت وزیران نهاده، ندارد.

علاوه بر آن مطابق ماده (۲) و جدول شماره (۱) «دستورالعمل اجرائی نحوه انتخاب و انتصاب مدیران حرفه‌ای» که در اجرای مواد (۵۴) و (۵۷) «قانون مدیریت خدمات کشوری» و به‌منظور استقرار نظام شایستگی در «دستگاه‌های اجرائی» به تصویب شورای عالی اداری رسیده است، احتساب سوابق فعالیت‌های افراد، به‌عنوان «سابقه مدیریت ارشد اجرائی»، مستلزم داشتن حداقل ۱۰ سال «تجربه خدمت دولتی مرتبط» و حداقل چهار سال تجربه خدمت در مناصب سطوح میانی است؛ حال آنکه علی‌رضا زاکانی، اساساً فاقد هرگونه سابقه فعالیت در دستگاه‌های اجرائی به شرح مقررات پیش‌گفته است. بدیهی است که قوانین و مقررات و بخش‌نامه‌های یادشده تماماً «برای اجرا» وضع و صادر شده و چنانچه در بزرگ‌های تاریخی و سیاسی، اجرای قوانین و مقررات فوق، به نفع فرد یا جناح خاصی نایده گرفته شود، این قوانین و دستگاه‌های عریض‌وطول مربوط به تصویب و

اتحاد ملی در برابر کرونا

در شگفت‌اند. هم‌زمانی بیماری کرونا با تحریم‌های ظالمانه و رکود تومری ناشی از آن، بسز امید را در جامعه خشکانده و شکاف بزرگی میان دولت و ملت به‌وجود آورده است. کادر درمانی کشور اعم از پزشکان و پرستاران خسته‌اند و توان ادامه کار خود را به‌تدریج از دست می‌دهند. این ارحمتکشان شریف می‌بینند که فداکاری‌های آنان در غیاب یک برنام روشن علمی و اجرائی‌ری ره جایی نمی‌برد و جامعه به منزل سلامت نمی‌رسد. نظام درمانی کشور اگر نکوییم فرو پاشیده، در حال فروپاشی است. هزاران درود به کارکنان این نظام می‌فرستیم و استدعای پایداری بیشتر داریم. این واقعیت نشانه دو چیز است. نشانه‌ای از انحطاط نظام تدبیر و انحطاط نظام اجتماعی. عدم توانمندی در اختیار نظام تدبیر به یقین روا نیست و نخواهد بود. دیگر سکوت و کندی نسبی یا مطلق در عمل دولت‌مردان، مسئولان نظام، مراجع، نخبگان، کنشگران سیاسی، استادان، روحانیون، طلاب، دانشجویان، اصناف، کارگران و درواقع همه مردم، البته هر گروه به سهم خود، جایز نیست. اکنون زمسان قیام ملی در برابر کرونا است. آمارهای وزارت بهداشت و درمان کویای آن است که از ۲۶ بهمن سال ۱۳۹۸ تا ۲۰ مرداد سال جاری، کشور ما پنج بار شاهد اوج‌گیری تعداد مبتلایان و جان‌باختگان کرونا بوده است و در پایان این دوره تعداد فوت‌شدگان بر اثر کرونا به بیش از ۹۵ هزار و ۶۰۰ نفر رسیده است. متأسفانه حتی اگر همین امروز رویکرد دولت و مردم برای مقابله با این بیماری تغییر کند و بر اساس تجربه‌های موفق جهانی تنظیم و عمل شود، باز رشد شتابان مبتلایان و جان‌باختگان تا یک‌ماه‌ونیم آینده همچنان ادامه خواهد یافت. متأسفانه عملکرد مدیریت بهداشت و درمان و دولت‌مردان ایران، برخلاف ادعای کذب برخی از مسئولان، در مقایسه با بسیاری از کشورهای پیشرفته و درحال‌توسعه، ضعیف‌تر بوده است. برای مثال تعداد فوتی‌های ناشی از بیماری کرونا در ترکیه نزدیک به ایران است تا به امروز از ۵۳ هزار نفر فراتر نرفته است. این وضعیت سیاه، عزیزان ما را به کاد مرگ کشانده است. بخش وسیعی از مردم عوام عزیزان از دست‌رفته خود و یا تیماردار مریضان کویید اند. عده زیادی از صاحبان کسب‌وکار مشاغل خود را از دست داده‌اند و با استیصال مالی مواجه شده‌اند. روح و روان مردم آزرده و خسته است و از ناتوانی دولت‌مردان و بی‌توجهی آنان به حال‌وروز خویش

تأثیری ندارد.

اجرای آنها رنج بیهوده‌ای بیش نخواهند بود! (ثانیاً مطابق ماده (۴) «آیین‌نامه اجرائی شرایط احراز تصدی سمت شهردار» مصوب ۱۳۹۷/۱۰/۴ هیئت وزیران، رعایت «قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل» مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۱ برای کسانی که به سمت شهردار «منصوب» می‌شوند، الزامی است. مطابق قانون فوق که برگرفته از اصل یکصدوچهل‌ویکم قانون (۱۴۱) اساسی است، داشتن هرگونه شغل در شهرداری که یک مؤسسه عمومی محسوب است، برای نمایندگان مجلس ممنوع است. از سوی دیگر هرچند مطابق تبصره (۳) ذیل بند (۱) ماده (۸۰) قانون شوراها، «نصب» شهردار تهران با پیشنهاد شورای شهر و حکم وزیر کشور صورت می‌گیرد و شورای شهر تهران در عهده‌دار است و «نصب» شهردار مشخصاً «پیشنهاد» آن به وزیر کشور را بر عهده‌دار است و «نصب» شهردار مشخصاً برعهده وزیر کشور است؛ باین‌حال تردیدی نیست که «عبایت» اصل (۱۴۱) قانون اساسی و قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل، با توجه به التزام اعضای شورای شهر به قانون اساسی و قوانین و مقررات جاری و سوگندی که ایشان یاد کرده‌اند، در انتخاب شهردار و معرفی و پیشنهاد آن به وزارت کشور نیز ضروری است و مادام که علی‌رضا زاکانی عهده‌دار سمت نمایندگی در مجلس و ریاست مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی است، فاقد شرایط لازم برای احراز سمت شهردار بوده و انتخاب و پیشنهاد آن به وزیر کشور نیز اقدامی غیرقانونی است.

علاوه بر آن و اگرچه انتخاب علی‌رضا زاکانی با رای مخفی اعضای شورای شهر صورت گرفته، انتصاب آن به سمت شهرداری تهران، مشخصاً و به‌وضوح با حکم وزیر کشور انجام می‌شود و مسئولیت‌های قانونی و حقوقی این انتصاب مشخصاً برعهده وزیر کشور خواهد بود. دراین‌رو چنانچه وزیر کشور با وصف نداشتن «مدرک تحصیلی مرتبط» و «سابقه مدیریت ارشد اجرائی» به شرح توضیحات یادشده، علی‌رضا زاکانی را به سمت شهردار تهران منصوب کند، آشکارا از اجرای قوانین و مقررات مملکتی که خود واضع بخشی از آن است، جلوگیری کرده که این امر مطابق ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی، جرم و مجسب تصویب مسئولیت‌گیری است.

و به‌راستی برای شهرداری تهران که به‌طور دائم مجری قوانین و مقرراتی است که با اساسی‌ترین موضوعات اداره شهر و حقوق شهروندان، از قبیل حقوق مالکانه مرتبط است، چه چیز ناگوارتر از آنکه در انتخاب و انتصاب بالاترین مقام اجرائی آن که هرروزه باید در برابر مراجع قانونی گوناگون، پاسخگو باشد، رعایت قانون صورت گرفته است. انتخاب علی‌رضا زاکانی به سمت شهرداری تهران نه‌تنها اقدامی بر ضد حاکمیت قانون بلکه انتخابی برخلاف شایسته‌سالاری دانشگاهی و آکادمیک و بی‌توجهی به جایگاه علم و دانش و بهادادن به تخصص و تجربه در اداره امور نیز هست. علی‌رضا زاکانی تقریباً تمام وقت و نیرو و توان خود را در سال‌های گذشته صرف امور سیاسی و مخصوصاً فعالیت در نهادهو ارگان‌ها و مجامعی کرده که هدف اساسی و بنیادی آنها حفظ اصل نظام و انقلاب در تشبیه‌وفرازهای گوناگون و به‌ویژه در سال‌های اخیر مقابله با فساد و نقض شایستگی قانون بوده و بهتر است اموری از قبیل ارائه خدمات شهری و جمع‌آوری پسماند و ساخت‌وساز و رسیدگی به امور حمل‌ونقل و ترافیک و آلودگی زمین و هوای پایتخت را به کسانی محول کند که در این راه از تخصص و تجربه و شایستگی علمی و عملی برخوردار بوده و عمر گرانمایه را صرف آن کرده‌اند. حق بر شهر مستلزم حق داشتن شهرداری قانونی است؛ در غیر این صورت و بی‌شما شهر بر پاشنه حق و عدالت و قانون نخواهد چرخید.

روزنه

سکوت خود را بشکنید و از مردم ما دفاع کنید

مترجم: هلیا عسگری

● صحرا کریمی، فیلم‌ساز افغانستانی و رئیس افغان فیلم (شرکت دولتی فیلم‌سازی افغانستان)، در نامه‌ای خطاب به جامعه جهانی، فیلم‌سازان و اهالی رسانه می‌گوید که با شکستن سکوت خود به یاری افغانستان و به‌ویژه زنان آنجا بشتابید.

کریمی این نامه را به زبان انگلیسی نوشته و منتشر کرده است.
در متن این نامه آمده است: «من صحرا کریمی هستم، کارگردان و مدیر فعلی افغان‌فیلم، قدیمی‌ترین شرکت دولتی فیلم‌سازی در افغانستان که در سال ۱۹۶۸ تأسیس شده است.

با قلبی شکسته برایتان می‌نویسم و با امید اینکه مرا همراهی کنید تا از مردم نازنین سرزمینم، به‌ویژه فیلم‌سازان در برابر طالبان حفاظت کنم. در چند هفته گذشته، طالبان کنترل بسیاری از مناطق را در دست گرفته‌اند. آنها دست به قتل‌عام مردم زدند، بچه‌های زیادی را ربودند، دختران کوچک را به‌عنوان عروس به مردان خود فروختند، زنی را به‌خاطر لباسش کشتند، چشمان زنی را از حدقه درآوردند، یکی از کم‌دین‌های عزیز ما را شکنجه دادند و کشتند، یک شاعر و مورخ را کشتند، رئیس مرکز اطلاعات و رسانه‌های دولت را کشتند، افراد وابسته به دولت را ترور کردند، در ملاعام مردان را حلق‌آویز کردند و صدها هزار خانواده را از آواره کردند. خانواده‌های سی از فرار از ولایت‌هایشان در اردوگاه‌های کابل و در وضعیتی غیربهداشتی بسر می‌برند. اردوگاه‌ها غارت می‌شوند و نوزادان به‌دلیل نداشتن شیر جان خود را از دست می‌دهند. این یک فاجعه انسانی است و دنیا در برابرش سکوت کرده است.

ما به این سکوت عادت کرده‌ایم اما می‌دانیم که عادلانه نیست. ما می‌دانیم تصمیمی که برای رهاکردن مردم افغانستان گرفته‌اند، اشتباه است، این خروج شتاب‌زده نیروها، خیانت به مردم ما و تمام کارهایی است که ما هنگام پیروزی افغان‌ها در جنگ سرد برای غرب کردیم. پس از آن مردم ما فراموش شدند و نتیجه‌اش حکومت تاریک طالبان شد و اکنون، پس از ۲۰ سال تلاش برای حصول دستاوردهای عظیم برای کشور و به‌ویژه نسل جوان، همه دوباره در این رهاشدن از بین می‌روند.

ما به صدای شما احتیاج داریم. رسانه‌ها، دولت‌ها و سازمان‌های بشردوستانه جهان به‌گونه‌ای سکوت کرده‌اند که گویی «توافق صلح» با طالبان مشروع بوده است. هرگز نبوده. به‌رسمیت شناختن طالبان به‌گونه‌ای به آنها اعتمادبه‌نفس داد تا دوباره به قدرت برسند. طالبان در تمام مراحل مذاکرات با مردم وحشیانه رفتار کردند. هرآنچه که من به‌عنوان یک فیلم‌ساز در کشورم برای ساختن آن تلاش کردم در خطر سقوط است. در صورت تسلط طالبان، تمامی هنرها ممنوع خواهد شد. من و سایر فیلم‌سازان در لیست ترور آنها قرار می‌گیریم. آنها حقوق زنان را نقض می‌کنند و ما به‌گونه‌ای تاریک‌خانه فرستاده می‌شویم و صدای ما برای همیشه ساکت می‌شود. زمانی که طالبان در قدرت بودند، تعداد دخترانی که به مدرسه می‌رفتند صفر بود. از آن زمان تاکنون بیش از ۹ میلیون دختر افغان به مدرسه رفته است. در شهر هرات، سومین شهر بزرگ افغانستان که به‌دست طالبان سقوط کرد، تقریباً ۵۰ درصد دانشجویان زنان بودند. اینها دستاوردهای باورنکردنی است که جهان به‌ندرت از آن خبر دارد. طالبان در همین چند هفته بسیاری از مدارس را ویران کرد و دویملیون دختر مجبور به ترک تحصیل شدند. من این سکوت نمی‌فهمم. این جهان را نمی‌فهمم. برای کشورم را نمی‌فهمم. من ایستادام و برای کشورم می‌جنگم اما تنها نمی‌توانم. من به متحدانی مانند شما نیاز دارم. لطفاً به ما کمک کنید تا دنیا به آنچه بر ما می‌گذرد اهمیت دهد. لطفاً با اطلاع‌رسانی توسط مهم‌ترین رسانه کشور خود، در مورد آنچه در افغانستان در جریان است، به ما کمک کنید. خارج از مرزهای افغانستان صدای ما باشید. اگر طالبان کابل را تصرف کند، ممکن است دیگر به اینترنت یا هیچ ابزار ارتباطی دسترسی نداشته باشیم. لطفاً از فیلم‌سازان و هنرمندان خود دعوت کنید تا از ما حمایت کنند، تا صدای ما باشند. این جنگ یک جنگ داخلی نیست، این یک جنگ نیابتی است، این یک جنگ حمایتی است و نتیجه توافق آمریکا با طالبان است. لطفاً تا آنجا که می‌توانید این واقعیت را در رسانه‌های خود بازتاب دهید و در مورد ما در شبکه‌های اجتماعی بنویسید. جهان نباید به ما پشت کند. صدای زنان، کودکان، هنرمندان و فیلم‌سازان افغان باشید. این حمایت بزرگ‌ترین کمکی است که درحال‌حاضر به آن نیاز داریم. لطفاً به ما کمک کنید تا دنیا افغانستان را رها نکند. لطفاً به ما کمک کنید قبل از اینکه طالبان کابل را تصرف کند. فرصت کم است، شاید فقط چند روز. از شما ممنوم. قدردان شما هستیم.»

در برخورد با این بیماری، از دیدگاه‌های غیرعلمی، ایدئولوژیک و سیاسی بپرهیزند.

– مدیران و کارشناسان نام توانمند و مسئول را در جوجه‌گوناگون بهداشتی، اجتماعی، رسانه‌ای، سیاسی و اقتصادی با اختیارات ویژه برای مقابله با این بلای مردم‌سوز به خدمت بگیرند.

– تصمیمات لازم برای اجبار به تغییر رفتار عمومی، یعنی محدودکردن کسب‌وکارهای پرخطر، استفاده‌کننده از ماسک و جلوگیری از تجمع در محل‌های عمومی و سربرسته را اتخاذ و با قاطعیت اعمال کنند.

– دولت برای تأمین واکسن و داروهای مورد نیاز این بیماری از خارج، تمام تلاش خود را مصروف کند.
– برنامه اجرائی کارآمد و مناسبی برای تزریق واکسن در مقیاس انبوه در هر یک از استان‌های کشور تهیه و به مورد اجرا بگذارد.

– همچنین دولت لازم است در دوره تعطیلی کسب‌وکارها از خانوارها و کسب‌وکارهای آسیب‌دیده در حدود امکان حمایت ویژه به عمل آورد.

مردم و گروه‌های اجتماعی نیز باید:

^[1] در برخورد با این بیماری، از دیدگاه‌های غیرعلمی، ایدئولوژیک و سیاسی بپرهیزند

^[2] مدیران و کارشناسان نام توانمند و مسئول را در جوجه‌گوناگون بهداشتی، اجتماعی، رسانه‌ای، سیاسی و اقتصادی با اختیارات ویژه برای مقابله با این بلا

^[3] مردم‌سوز به خدمت بگیرند

^[4] تصمیمات لازم برای اجبار به تغییر رفتار عمومی، یعنی محدودکردن کسب‌وکارهای پرخطر، استفاده‌کننده از ماسک و جلوگیری از تجمع در محل‌های عمومی و سربرسته را اتخاذ و با قاطعیت اعمال کنند

^[5] دولت برای تأمین واکسن و داروهای مورد نیاز این بیماری از خارج، تمام تلاش خود را مصروف کند

^[6] برنامه اجرائی کارآمد و مناسبی برای تزریق واکسن در مقیاس انبوه در هر یک از استان‌های کشور تهیه و به مورد اجرا بگذارد

^[7] همچنین دولت لازم است در دوره تعطیلی کسب‌وکارها از خانوارها و کسب‌وکارهای آسیب‌دیده در حدود امکان حمایت ویژه به عمل آورد

^[8] مردم و گروه‌های اجتماعی نیز باید: